

بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

محسن رجایی‌پناه^۱، باقر ساروخانی^۲، علیرضا کلدی^۳

چکیده:

این تحقیق با هدف پی بردن به چگونگی بازتاب نابرابری و محرومیت در آثار شعرای معاصر قشقایی صورت گرفته است. حوزه جغرافیایی پژوهش استان فارس و اصفهان، و جامعه پژوهش شامل ۵۵ تن از شاعران معاصر قشقایی بوده است. در این پژوهش کیفی، ۷۳ قطعه شعر به روش اسنادی گردآوری، و به شیوه تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل شده و ۳۰ گزاره به دست آمده که به دلیل حجم بالای اشعار و رعایت ضوابط فصلنامه‌ها، تنها از مضمون ۱۹ بند شعر در این مقاله استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هرچند شاعران به عنوان بخشی از جامعه قومی، مسئله نابرابری و محرومیت را در اشعار خود بازتاب داده‌اند؛ اما دیدگاه آنان در باره پدیده محرومیت و نحوه محرومیت زدایی متفاوت است. سه گزاره زیر به عنوان بخشی از نتایج به دست آمده، این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد: اذعان به وجود نابرابری و محرومیت، احساس سرخوردگی، بحران هویتی و نارضایتی از به هم خوردن ساختار ایلی، ازلی دانستن نابرابری و انتساب آن به نظام خلقت و کنار آمدن با محرومیت به عنوان یک واقعیت، تمسک به امدادهای غیبی و قدرت‌های فرا بشری برای جبران ناکامی‌ها و از بین بردن محرومیت.

واژه‌های کلیدی: نابرابری، محرومیت نسبی، قشقایی، بحران هویتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ - استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: b.saroukhani@yahoo.com

^۳ - استاد گروه جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

جهان امروز، به رغم دستاوردهای علمی گوناگون و برخورداری از مزایای بی شمار اطلاعاتی، در مقاطع مختلف با مسائل و مشکلات فزاینده رو به رو بوده است. زندگی سنتی قرن‌های گذشته دور، برای مردم، توأم با تنازع بقا، همراه با بحران‌ها و حوادث طبیعی، بیماری‌های ناشناخته و سوء تغذیه بوده است. دنیای مدرن و پسا مدرن کنونی نیز، با خطر توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، تخریب محیط زیست، بحران غذا و بروز بیماری‌های نوپا مواجه است. با این حال، همواره دردها، رنج‌ها و مسائل مشترک، تقریباً در تمام نقاط کره زمین وجود داشته که هنوز هم دامن‌گیر جامعه بشری است. یکی از این مسائل و معضلات فراگیر، انواع نابرابری‌ها و محرومیت‌هاست. مطالعات حوزه جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که احساس محرومیت در اغلب گروه‌های اجتماعی، از جمله اقوام ایرانی مشاهده شده است. شرایط اقلیمی، نگرش حکومت‌ها، میزان فرصت‌هایی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد و عدم تعادل در بهره‌مندی از منابع عمومی، سبب می‌شود که شدت و دامنه فقر و نابرابری در نوسان باشد.

از نظر متخصصان علوم انسانی، این مقولات مهم که می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی نشده نظیر شورش‌ها و اعتراضات عمومی را رقم بزند، نگران‌کننده و قابل تأمل است. چنان‌که گفته شده: «در دولت‌هایی که جامعه اقلیت‌ها، تبعیض اقتصادی و نابرابری‌ها را تجربه می‌کنند و از نظر استانداردهای زندگی، به عنوان مخالف با دیگر گروه‌های قومی و نامتقارن به شمار می‌آیند و دسترسی به منابع دولتی مانند زمین و ثروت ندارند، احتمال درگیری‌های قومی بیشتر است» (Saleh, 2013:157). از منظر نظریه‌های توسعه نیز، حرکت‌های اعتراضی و جنبش‌های اجتماعی و تناقضات بحران‌زا، در همین چهارچوب قابل نقد و بررسی است؛ چنان‌که ریچارد پیت می‌نویسد: «جنبش‌های نوین اجتماعی به جای تناقضات ساختاری، مانند محرومیت و فقر منابع و ایجاد تغییر اجتماعی از طریق تحقق مستقیم اصول اخلاقی، ارتباط با کنش اجتماعی ظاهراً به طور غیر مستقیم صورت می‌گیرد و تناقضات باعث ایجاد بحران می‌شوند» (پیت، ۱۳۸۴: ۲۸۳). در چنین شرایط، نخبگان جامعه، اصحاب قلم اعم از روزنامه نویسان، خبرنگاران و

¹ - Peet. Richart

تحلیل گران سیاسی بیش از دیگران چه در جهت همسویی با معترضان و چه به نفع حکومت‌ها به ایفای نقش می‌پردازند. حال بر این اساس، قاعدتاً ادیبان و شاعران نیز که با استناد به فحوی کلامشان، از درک بیشتر و احساس قوی‌تر برخوردارند، از آنان انتظار می‌رود این گونه احساسات را در آثار ادبی خود منعکس سازند. زیرا قلم و زبان آنان به منزله سلاحی برنده است که می‌تواند سپاه سیاه ستم و تبعض و بی‌عدالتی را به زانو در آورد. بی‌جهت نیست که حکیم عمر خیام «تأثیر قلم را در جامعه از تیغ برهنه بیشتر می‌داند و نتیجه می‌گیرد که تأثیر قلم صلاح و فساد مملکت را کاری بزرگ است» (ارشاد، ۱۳۹۱: ۵۸). برابر مستندات پیامد، نابرابری و محرومیت نسبی به کرات در قوم قشقایی دیده شده است که آن را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف، تاریخی - سیاسی؛ شواهد نشان می‌دهد که از آغاز شکل‌گیری این قوم با سه میلیون نفر جمعیت تقریبی (مردانی، ۱۳۸۶: ۲۵) به دلیل ساختار سیاسی ایلی و طبقه بندی اجتماعی، منشاء نابرابری‌ها، کانون و مرکز قدرت سیاسی بوده. زیرا ایلخانی‌ها، ایل بیگی‌ها و کلانتران به تناسب سلسله مراتب قدرت و تنش‌هایی که همواره با حکومت‌های مرکزی داشته‌اند، خواسته یا ناخواسته بر پیدایش و رشد نابرابری دامن زده‌اند. اگر نگاهی به رفتار حکومت‌های گذشته، خاصه دوران قاجارها و خاندان پهلوی داشته باشیم، آثار ستم‌های مضاعف و وجود نابرابری را در ایل قشقایی می‌توان دید. دو اتفاق مهم یعنی اسکان اجباری نافر جام ایلات و خلع سلاح عشایر در دههٔ چهل بیستین آسیب را به جامعهٔ ایلی، به ویژه به مردم دامپور قشقایی وارد کرد. هم‌اینک نیز، قشقایی‌ها پس از نقشی که در تحقق انقلاب اسلامی و هشت سال جنگ تحمیلی داشتند و سنگینی غم فراق حدود ۱۴۰۰ شهید^۱ و هزاران جانباز را در سینه احساس می‌کنند، بسیاری از انتظاراتی که داشتند محقق نشده است.

ب، نابرابری اقتصادی - اجتماعی؛ اسکان اجباری و خلع سلاح، دو عامل مهم در گرایش مردم به سمت روستانشینی و به دنبال آن مهاجرت به شهرها بود. علاوه بر این، ایجاد محدودیت‌های گستردهٔ ایلراهی با هدف تغییر کاربری زمین‌های منابع طبیعی به زمین‌های زراعی و ایجاد باغ‌شهرها و ویلاسازی و توسعهٔ میدان‌های نفتی در مناطق گرمسیری عشایر، مراتع آنان را بسیار محدود کرد. مردم ایلات که سالیان سال با تغییر آب و هوا به مناسب‌ترین مکان‌ها نقل مکان کرده بودند، حالا ناگزیر به اقامت در مناطق برفگیر

بیلاقی و یا نواحی گرم قشلاقی بودند که با گرمای طاقت فرسای آن سازگاری نداشتند. در کنار این معضلات و در نبود دام، شغل کارگری چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت نیز، به گونه‌ای نبود که دسترسی به آن آسان باشد. پایین بودن سطح تحصیلات فرزندان عشایر از یک سو و نداشتن مهارت شغلی نیروهای فعال و نبود کار مناسب به ویژه برای جامعه زنان، سبب شد که آنان نتوانند به مشاغل و حرف شهری دست یابند و ارتقا از پایگاه اجتماعی موجود عشیره‌ای و توام با فقر، به جایگاه منزلتی بالاتر شهری توام با رفاه میسر نشود. بنابر این، مردم جامعه مهاجر و سردرگم قشقایی از سرناچاری و صرفاً برای امرار معاش به سمت مشاغل درجه دو و سه شهری روی آوردند. این گزینه سبب شد که آنان منزلت و پایگاه اجتماعی خود را که به برکت دام از آن برخوردار بودند، از دست بدهند و طبق نظریات جامعه‌شناختی، به عنوان «منبع کمی فقرای شهری» نیز شناخته شوند.

ج، نابرابری فرهنگی - آموزشی؛ توزیع نامتوازن فرصت‌های زندگی از جمله دستیابی به امکانات تحصیل، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای پی بردن به وجود نابرابری‌های اجتماعی در هر جامعه است. جامعه سنتی قشقایی به دلایل متعدد در طول تاریخ، از دسترسی به چنین فرصت‌ها محروم بوده است. بخشی از این قبیل محرومیت‌ها ناشی از ساختار زندگی آنان، و بخش دیگر متأثر از نوع رابطه آنان با مراکز قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری و منابع توزیع خدمات بوده است. این گسست رابطه و نگرش منفی هیأت حاکمه در گذشته دور و عشق سران قوم و قبیله به تفرج و شکار و طبیعت گردی و فرصت‌سوزی، هر دو سبب می‌شده است تا شمار باسوادان مکتبی و ابتدایی در جامعه قشقایی بسیار اندک باشد و آنان را از دایره قدرت سیاسی و بهره‌وری فرهنگی و اجتماعی دور سازد. دست به تفنگ شدن، یاغی‌گری و میل به زندگی وابسته به طبیعت، شاید از چنین شرایط عدم تعلق نشأت گرفته باشد. از طرفی، حکومت اقتدارگرای وقت که تمایل شدید به رام کردن عشایر و تسلیم آنان در برابر قدرت مرکزی داشت، چنین شرایط نامطمئن را برنمی‌تابید و هر از گاهی با توسل به قوه قهریه در صدد سرکوب، گرنش و متابعت عشایر بر می‌آمد. این عوامل سبب گردید تا سال ۱۳۳۶ که نخستین مرکز تربیت معلم عشایری در شیراز تأسیس شد، فرزندان عشایر کشور از نعمت سواد محروم بمانند.

در بُعد فرهنگی نیز در اوج قدرت رضاشاه و پس از بازگشت وی از سفر ترکیه، او تصمیم به کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس مردان می‌گیرد. کلاه نمدی و دو گوش قشقایی نخستین و بارزترین هویت مردان قشقایی که به تعبیری سمبل قدرت، اعلام خود مختاری و هویت قشقایی‌ها بوده، «موجب مشکلاتی برای مردم ایل گردید که هر جا [مأمورین] کلاه دو گوش می‌دیدند، پاره کرده و صاحبش را آزار و اذیت می‌کردند» (کیانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). رضا شاه همزمان با دستور اسکان عشایر، سوزاندن و پاره کردن سیاه چادرها تلاش کرد تا مردان قشقایی را وادار به پوشیدن لباس متحدالشکل نماید و با پاره کردن کلاه دو گوش که بزرگ‌ترین نماد فرهنگی و هویتی قشقایی به شمار می‌آمد، به این ترتیب نابودی بخشی از فرهنگ قشقایی را هدف قرار دهد. در شرایط کنونی نیز حق آموزش به زبان مادری، در بسیاری از اسناد و معاهدات حقوق بشری مثل منشور زبان مادری، اعلامیه جهانی حقوق زبانی، بندهای ۳ و ۴ ماده ۴ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۲} اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بر حق تحصیل به زبان مادری در کنار زبان فارسی در مدارس تأکید دارد. اما عدم اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی احساس بدبینی و نارضایتی آشکار را بین مردم قشقایی به وجود آورده و قشقایی‌ها در مقایسه با سایر اقوام، احساس می‌کنند در شرایط کاملاً نابرابر و غیر عادلانه قرار دارند.

برای پی بردن به اهمیت تحقیق پیش رو، باید اشاره شود که از برآیند خرده فرهنگ‌ها که از قومیت‌ها برخاسته، فرهنگ ملی یا عمومی شکل می‌گیرد. «اصطلاح خرده فرهنگ، به متغیرهای فرهنگی گفته می‌شود که توسط بخش‌های معینی از جمعیت بروز می‌یابد. خرده فرهنگ‌ها، جهانی در درون جهان بزرگ‌تر فرهنگ ملی ما هستند (جنکس، ۱۳۹۴: ۲۷). با درک این مهم که کل پیکره جامعه از عناصر خرد قومیت‌ها و اقلیت‌ها تشکیل شده، هر چند مطالعات فراوان در موضوع قومیت‌ها صورت گرفته، اما باز هم عرصه برای تحقیق و یافته‌های جدید وجود دارد. علاوه بر این، در شرایط فعلی مسئله قومیت‌ها به ویژه نظر به تحولات خاورمیانه، به عنوان یک نگرانی خاموش در خفا وجود دارد که کشف این مجهولات و تحلیل جامعه‌شناختی زوایای مختلف زندگی اقوام، اهمیت دوچندان یافته است.

با توجه به نقش مثبت و بسیار حیاتی جامعه‌عشایری که اشاره شد، ایجاب می‌کند که محققان دستگاه‌های مرتبط، برنامه ریزان و پژوهشگران دانشگاهی، به ویژه فرزندان تحصیلکرده خود عشایر بیش از همیشه به دنبال تحقیق و بازتاب شرایط دشوار کنونی جامعه عشایر باشند. هرچند پس از انقلاب اسلامی، مطالعاتی با موضوعات مرتبط با قوم قشقایی صورت گرفته و کتاب‌ها نوشته شده است، اما به طور مشخص، به موضوع محرومیت چندان توجه نشده است. بنابراین خلاء تحقیقاتی در این مورد، به وضوح مشاهده می‌شود و این پژوهش می‌تواند پیش زمینه‌ای برای پرداختن به مسائل قومیتی و هویتی توسط دیگر محققان به شمار آید. این پژوهش نیز بر آن است تا از طریق آثار و سروده‌های شماری از شاعران، ماهیت و چگونگی وجود محرومیت نسبی و نقش شاعران قشقایی را در بازتاب این پدیده، ارتقاء آگاهی مردم و شیوه‌های برخورد با این معضل را واکاوی نماید. زیرا در طول تاریخ، شواهدی از نقش شاعران و آثار تأثیرگذار آنان به ویژه در عرصه سیاسی به چشم می‌آید. به طور کلی «ادبیات صرفاً بازتاب واقعیت اجتماعی و تاریخی نیست، بلکه هر اثر ادبی به خودی خود، یک واقعیت اجتماعی است و به قول فرانتس فانون^۱، منتقد جدی استعمار، فرهنگ‌های ملی و از جمله ادبیات ملی، ابزار مهم مبارزه برای کسب استقلال سیاسی است» (ارشاد، ۱۳۹۱: ۵۷). در ایران شاعرانی چون سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم‌الشمال) در دوران مشروطیت، یا عبید زاکانی در قرن ششم و یا در عصر حاضر، فردی چون عالی‌پیام معروف به هالو، ناگهان سری از توی سرها بر می‌آورد و چون درک خود را از مسائل سیاسی اجتماعی یک سر و گردن بالاتر از دریافت متوسط اجتماع می‌داند، قفل زبان به اعتراض می‌گشاید که:

ساقه‌هایی که سبزتر بودند سرخ گشته به خاک غلتیدند
باقی ساقه‌ها از این ماتم، برگ‌های سیاه پوشیدند

فقر و غنا که در ادبیات کلاسیک منظوم ایران همواره جایگاهی داشته، در دوران مشروطه از دیدگاهی جدید مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. غنای گروه‌های ویژه به عنوان عامل فقر و تیره‌روزی گروه‌های بزرگ‌تری تعبیر می‌شده است.^[۳]

یکی صد جامه دارد، جمله دیا	یکی را عور می‌بینی سراپا
یکی بر تخت زر خفته شب و روز	یکی از صورت سرماست در سوز
یکی صد اسب و ده کالسکه دارد	برهنه پا یکی رو بر ره آرد
یکی را خانه و باغ است و ملک است	یکی بی‌خانمان است این چه سلک است

(ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۴۷۵)

ده‌ها شاعر دیگر، ابیات و قطعات فراوان پیرامون موضوع محرومیت ناشی از اشرافی‌گری یا تبعیض طبقاتی سروده‌اند که ذکر نمونه اشعار همه آنان در این فضای محدود نمی‌گنجد. تنها به بیتی در مقام شاهد از ملک‌الشعراى بهار بسنده می‌شود که گویا پس از تصویب و اجرای قانون نظام اجباری (نظام وظیفه عمومی) که تمامی جوانان موظف به انجام خدمت زیر پرچم بوده‌اند، اما فرزندان اشراف را از خدمت وظیفه معاف می‌کرده‌اند، سروده است:

طفل کاسب را جبراً به نظامی گیرند / لیک اشراف معافند ز حکم اجبار (بهار، ۱۳۶۸: ۴۷۳)^[۴]

بی‌جهت نیست که با نگاهی سیاسی به جایگاه و نقش ادبیات، گفته شده است: «ادبیات در عین هدف بودن می‌تواند به عنوان ابزاری توانمند برای بررسی سیاست و جامعه و فرهنگ کشور مفید باشد و به منزله بستر حیات‌بخش و شکوفاگر اندیشه‌ها و حاوی عناصر سازنده شخصیت انسان‌ها به کار آید» (اسکارپیت، ۱۳۹۰: ۷). هم‌چنین برای پی‌بردن به اهمیت و جایگاه ادبیات در مقوله‌های سیاسی-اجتماعی، تنها این عبارت سارتر کافی است که می‌گوید: «ادبیات فریادی است بر سر قدرت و یا غرض از ادبیات تلاش و مبارزه است: تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تحرّی حقیقت، برای آزادی انسان» (سارتر، ۳۵: ۱۳۹۶). به طور کلی اهداف آرمانی و کلی تحقیق را می‌توان به ترتیب و به شرح زیر نام برد:

- بررسی آثار شعراى معاصر قوم قشقایی به منظور کشف ابیات، قطعات و مضامینی که نشان دهنده محرومیت و نابرابری در جامعه قشقایی در ادوار مختلف است.
- ارائه چشم اندازی جدید از رابطه و تأثیرات متقابل ادبیات قومی و مسائل اجتماعی با تکیه بر اشعار شاعران معاصر قوم قشقایی. بنابراین، هدف تحقیق پیش رو، بهره‌گیری از کلام گروهی از شاعرانی است

که خود برخاسته از جامعه ایلی هستند و در انعکاس نابرابری که با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند، دستی بر آتش داشته‌اند.

همان گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، تاکنون از محققان و تحصیل‌کردگان قشقایی که دسترسی به آثار آنان چندان هم دشوار نیست، به وضوح مطلبی پیرامون محرومیت و نابرابری دیده نشده است. با این حال، به عنوان پیشینه تجربی، به چند مورد مرتبط با موضوع تحقیق، از دیگر پژوهشگران به شرح زیر اشاره می‌شود:

در پایان نامه‌ای تحت عنوان: «بررسی بین‌هویت قومی و هویت ملی ترکمن‌ها در استان گلستان» توسط سخاوتی فر به مسائل قومیتی ترکمن‌ها پرداخته و رابطه هویت قومی و ملی را با متغیرهای گوناگون به صورت کمی و نموداری سنجیده و به نتایجی دست یافته که به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) ترکمن‌ها معتقدند سرمایه‌گذاری دولت در مناطق آن‌ها عادلانه نیست و از این جهت احساس محرومیت نسبی در بین آنان مشهود است. ۲) در زمان پهلوی دوم محدودیت مراتع و بسته شدن ایل‌راه‌ها بر یکجانشینی دامن زد و بیشتر ترکمن‌ها را زمین‌گیر کرد که از این جهت هم مردم ترکمن احساس می‌کنند که در حق آنان ستم و اجحاف شده است. ۳) سیاست همانندسازی و محرومیت نسبی می‌تواند موجب تضعیف عناصر هویت قومی شده و به عکس، باعث افزایش دلبستگی هویت ملی گردد. مقاله دیگری با عنوان چالش‌های اشتغال زنان مهاجر عشایر در محیط‌های خانواده و اجتماعات شهری، در سال ۱۳۹۴ توسط سفیری و رجایی پناه ارائه شده که هدف این مقاله کیفی، بررسی چالش‌های احتمالی اشتغال زنان مهاجر ایل قشقایی بوده که پس از تحولات سیاسی-اجتماعی دهه چهل تا کنون، خانواده‌های آنان به روستاها و شهرها مهاجرت کرده و اغلب در حاشیه شهرها سکنی گزیده‌اند. از دید محققان، این احتمال وجود داشته که استمرار نظام خانواده پدرسالارانه و حفظ ارزش‌های سنتی از یک طرف و مشکل تطابق و سازگاری با محیط جدید شهری از طرف دیگر، در کنار نگرش‌های تبعیض آمیز برخی گروه‌ها و نهادهای شهری، ورود آنان را به بازار کار و عرصه‌های اجتماعی مشکل کرده باشد. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل روایت بوده که اطلاعات لازم، از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته به دست آمده و سپس براساس سنخیت و تجانس اظهارات، تم بندی شده است. مصاحبه‌ها در سه شهرک از ده شهرک مهاجرپذیر حومه

93.....بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

شهر شیراز صورت گرفته و شامل زنان مهاجر ۳۰ تا ۵۵ ساله بوده است که به شیوه گلوله برفی انتخاب شده‌اند. برخی یافته‌های این تحقیق نشان داد ۸۸٪ از زنان متأهل و ۱۲٪ مجرد هستند. ۴۱٪ به کارهای خانگی و سنتی کم درآمد اشتغال دارند و ۵۹٪ حقوق بگیر واحدهای کوچک بخش خصوصی و دولتی هستند که دستمزد اندک دریافت می‌کنند. ۵۲٪ از شرکت کنندگان دارای مدرک لیسانس و بقیه در مراتب پایین تر قرار داشتند. تجربه زیسته زنان بیانگر این بود که عواملی چون: استمرار نظام پدرسالارانه، پابندی به هنجارهای سنتی، عدم اطمینان خانواده از محیط کار زنان، داشتن لهجه ترکی و استفاده از لباس محلی، تبعیض در گزینش نیروی انسانی و نبود زمینه اشتغال مناسب، سبب سرخوردگی و احساس تبعیض در بین زنان مهاجر قشقایی شده است.

در مقاله دیگری توسط معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی (۱۳۹۷) به بررسی ابعاد گوناگون فقر اختصاص داده است. در این فصلنامه، به تاریخچه طرح مقوله فقر توسط «سی بوهام رواتری»^۱ در انگلستان قرن نوزدهم، فقر از دیدگاه سازمان ملل و بانک جهانی تشریح و به معیارهایی چون: عدم رفاه، گرسنگی، فقدان بهداشت، بیسوادی، نیازهای ضروری برای حفظ سلامتی و کارایی جسمانی برای سنجش آن اشاره شده است. هم‌چنین فقر نسبی، فقر مطلق، فقر چند بعدی، خط فقر، چگونگی پیدایش فقر، علل و ریشه‌های فقر و پیامدهای آن، آرمان جهانی کاهش فقر، تجربه کشورهای موفق از جمله ترکیه و چین در کاهش فقر نیز، از دیگر موضوعاتی است که در این فصلنامه به تحریر در آمده است. در این فصلنامه به طور مشخص، برای فقر زدایی یا کاهش فقر، در مسیر اقدامات توسعه‌ای، چهار محور یا اقدام مهم ذکر شده است که عبارتند از: بهبود فرصت‌ها و کمک به افزایش دارایی فقرا، توانمند سازی یا ارتقاء قابلیت فقرا، ارتقاء امنیت و اقدامات بین‌المللی به ویژه توسط کشورهای پیشرفته صنعتی.

تحقیقی به صورت کمی و تحلیلی توسط محققان دانشگاه منچستر در بنیاد جوزف رونتره^۲ صورت گرفته است. هدف این پژوهش، پی بردن به میزان سکونت جمعیت مهاجر مناطق مختلف انگلیس و نوع

^۱ - Seebom Rowntree

^۲ - Joseph Rountree Foundation.

محرومیت‌هایی بوده که قومیت‌های متفاوت از آن رنج می‌برده‌اند. خلاصه این تحقیق نشان داده است که: «تمام اقلیت‌های قومی در انگلستان نه تنها بیشتر در محله‌های محروم زندگی می‌کرده‌اند، بلکه نابرابری‌های قومی نیز، به نسبت جمعیتی که در محله‌ای محروم می‌زیسته‌اند، در مناطق مختلف متفاوت بوده است. علاوه بر این، پژوهشگران مشخص کردند که نوع محرومیت اقوام نیز، در مقایسه با یکدیگر، تفاوت داشته است. به عنوان مثال: گروه قومی بنگلادشی (۴۶٪) محرومیت مالی، ۳۲٪ مشکلات مسکن و خدمات رسانی داشته‌اند. در حالی گروه قومی پاکستان (۳۹٪) محرومیت زیست محیطی، ۲۳٪ آموزشی، ۲۰٪ محرومیت از خدمات بهداشت و سلامت و (۱۶٪) محرومیت شغلی داشته‌اند»^۱ (Jivraj, Stephen and Omar Khan, 2013).

وجه اشتراک همه این تحقیقات اذعان به وجود محرومیت و نابرابری در گوشه و کنار جهان و در میان قومیت‌ها و ملیت‌های متفاوت است. اما تفاوت عمده پژوهش حاضر این است که پژوهشگر نمونه تحقیقی را در یک جامعه کوچنده انجام داده و علاوه بر این وجه افتراق، داده‌های تحقیق نیز بر محور ادبیات منظوم استوار است که می‌تواند به تعبیری، تحقیق را در قلمرو نوآوری‌ها قرار دهد.

هر پژوهش دارای نوعی ادبیات نظری است. منظور از ادبیات نظری تحقیق، تئوری‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های علمی است که پژوهشگر به عنوان سنگ بنای پژوهش خود انتخاب می‌کند تا از این طریق نتایج پژوهش خود را در راستای آزمون نظریه یا مدل مورد نظر تبیین نماید. هنگامی که سخن از محرومیت به میان می‌آید، ممکن است تنها شمایی از وجوه محرومیت مادی به ذهن خطور کند، اما واقعیت این است که محرومیت بسیار فراگیر بوده و در ابعاد: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... خود را نشان می‌دهد. چنان‌که گر تصریح می‌کند: «میزانی از نارضایتی در میان تمامی اعضای همه جوامع وجود دارد، به گونه‌ای که در تجزیه و تحلیل فراگیری که تمایزی میان گروه‌های اجتماعی یا انواع و یا شدت

^۱ - برگرفته از سایت فاقد شماره صفحه

95.....بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

محرومیت نسبی قابل نشود، گستره محرومیت نسبی به رقم ۱ می‌رسد، به این معنی که همه افراد دچار محرومیت نسبی اند» (گر، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

ادوارد.جی. گرب^۱ در تبیین مفهوم نابرابری می‌گوید: «عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت کوشی و جز این‌هاست. نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در برخورد با افراد بین آن‌ها قائل می‌شود و علت این تمایز، مشخصه‌هایی هم‌چون طبقه اقتصادی و نژاد و قومیت و جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند (G.Grabb, 1986: ۱۲۳). اما نظریه پردازان رادیکال «این مسئله را از دیدگاه افراد و گروه‌ها در درون جامعه مورد تحلیل قرار می‌دهند و معتقدند که نیازها و خواسته‌های فردی و گروهی باعث نابرابری‌های اجتماعی می‌شوند. سی رایت میلز^۲ در توجیه این نظریه می‌نویسد: کسب قدرت چنان انجام می‌گیرد که یک گروه با تسلط بر گروه‌های دیگر و به زیر کنترل در آوردن آنان نمی‌گذارد که آن گروه به قدرت دسترسی پیدا کند. بنابراین، نابرابری نمی‌تواند نیاز جامعه به حساب آید، بلکه خواسته فردی و گروهی است» (ربانی و انصاری، ۱۳۸۸: ۳۴). اچ.جی. اسمیت^۳ و همکارانش از حوزه روانشناسی دانشگاه سونوما و سانتا کروز^۴ کالفرنیا در تحقیقی انتقادی، در نقد و بررسی ابعاد تئوریک نظریه محرومیت نسبی معتقدند که: نظریه محرومیت نسبی، اساساً یک نظریه عاطفی است. هنگامی که مردم احساس می‌کنند که در مقایسه با دیگران به شکل معنی‌دار محروم شده یا به صورت ناعادلانه محکوم شده‌اند، با احساس خشم و نفرت عصبانی می‌شوند. این واکنش‌های عاطفی ممکن است واکنش‌های خاصی را در یک حوزه دیگر، از بین ببرند» (Thomas and Pettigrew, 2015: 7).
Smith, بررسی دیدگاه جیمز دیویس^۵ نیز، حاکی از پیامدهای محرومیت نسبی است که طی فرآیندی زمان‌بر، ممکن است منجر به انقلاب شود. چنان‌که می‌گوید: براساس نظریه توقعات فزاینده، انقلاب از

¹ - G.Grabb.Edward

² - C. Wright Mills (1916-1962 Texas United States)

³ - H.G.Smith

⁴ - Santa Cruz

⁵ - James John Davis

محرومیت نسبی ناشی می‌شود. هرگاه پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی و اجتماعی یک دوره برگشت سریع اتفاق بیفتد، احتمال وقوع انقلاب بیشتر می‌شود. زیرا بین خواسته‌ها و توقعات مردم با رضای آن‌ها فاصله می‌افتد. هرچه شدت و مدت رکود بیشتر باشد، این فاصله بیشتر می‌شود و باعث ایجاد شرایط حاد شده و احتمال وقوع انقلاب افزایش می‌یابد (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

راغفر جامعه‌شناس ایرانی نیز می‌افزاید: نگرش، آرزوها و خشم مردم عمدتاً بستگی به چارچوب مرجعی دارد که در درون آن ارزیابی می‌شوند. مردم «محرومیت نسبی» خود را با یک گروه «مرجع» مقایسه می‌کنند. بدیهی‌ترین سطح، مشروط به انتظارات اوست. مردم وقتی به وضعیت خودشان خود آگاه می‌شوند که خود را با کسانی که وضعیت بدتری از آن‌ها دارند، مقایسه کنند (راغفر، ۱۳۸۶: ۱۵۸). به هر حال با توجه به کیفی بودن تحقیق و عدم الزام به ارائه چارچوب نظری، در اینجا صرفاً به عنوان شاهد و راهنمای پژوهش، به نمونه‌هایی از ادبیات نظری اشاره شد. زیرا «در تحقیقات کیفی که پژوهشگر خود به دنبال ایجاد نظریه است، برای اعتبار بخشی و تطبیق مصادیق و بالا بردن حساسیت نظریه‌ای، می‌تواند از ادبیات نظری و پیشینه نگاشته استفاده نماید» (از کیا، ۱۳۹۴).^[۶]

روش‌شناسی

با توجه به ویژگی موضوع مورد مطالعه، این پژوهش به لحاظ مفهومی مبتنی بر روش مطالعه اسنادی است و از لحاظ دسته بندی، در زمره تحقیقات کیفی و از نظر تجزیه و تحلیل متن، تحلیلی - توصیفی به شمار می‌آید. یکی از دلایل گرایش و انتخاب تحقیقات کیفی و از نظر تجزیه و تحلیل متن، تحلیلی - توصیفی به ویژگی‌های کیفی خاص کنشگران انسانی، مانند اندیشه ورزی، معنادگی و ارزیابی پدیده‌ها، ابعاد پیچیده دارد. ویژگی‌های کیفی مذکور را نمی‌توان به سادگی به شکل کمی در آورد و آن‌ها را مورد آزمون و سنجش تجربی قرار داد؛ زیرا جامعه به جای یک واقعیت، از واقعیت‌های متعددی تشکیل شده است. از این رو، در بررسی واقعیت، قرائت‌های مختلفی وجود دارد. کاربرد روش‌های مذکور را نیز می‌توان «ترجیح و تمایل پژوهشگر»، «ماهیت مسئله پژوهش» و «کم هزینه بودن» پژوهش کیفی دانست (از کیا، ۱۳۹۰: ۱۷ و ۱۸). علاوه بر ضرورت به کارگیری توصیف در چنین تحقیقات اسنادی، روش تحلیل نیز رکن و شالوده هر تحقیق کیفی است. لذا، در این تحقیق برای تحلیل یافته‌ها، به طور مشخص از روش

تحلیل محتوا با رویکرد عرفی^{۱۵} که مایرینگ^۱ آن را مقوله استقرایی نامیده، استفاده شده است. جامعه پژوهش نیز ۵۵ تن از شاعران قشقایی دارای آثار به چاپ رسیده یا صاحب نسخه خطی منتشر نشده است که در طول قرن اخیر، در بین اغلب مردم قوم قشقایی به عنوان شاعر شناخته شده‌اند. شیوه گردآوری داده‌ها در هر تحقیق، برای اهل فن و متخصصان بسیار حائز اهمیت است. از این رو در این پژوهش، سعی وافر شده است تا داده‌ها و اطلاعات اسنادی متعدد، به نحو علمی و مطابق با روش‌های درست پژوهش گردآوری شود. لذا با این رویکرد علمی، داده‌های اولیه، از طریق گردآوری آثار مکتوب شعرای معاصر قشقایی و منابع در اختیار محقق (اعم از کتاب، مجله، روزنامه) و یا مراجعه به کتابخانه‌ها برای فیش‌برداری. هم چنین، فیش‌برداری از نسخه‌های چاپی یا خطی موجود که در اختیار خود شاعر یا منسوبان و بازماندگان وی بوده و غالباً منتشر نشده به دست آمده و داده‌ها به شیوه زیر تحلیل شده است:

- بررسی مورد به مورد ابیات، ترجمه و استخراج مفاهیم اولیه مرتبط با محرومیت نسبی، دسته بندی اشعار و ابیات برحسب موضوعات و مفاهیم مشابه به روش تحلیل محتوا و کدگذاری دو مرحله‌ای.
- استخراج کلمات و یا عباراتی که به نوعی از بار معنایی آن مفاهیم نابرابری و محرومیت استنباط می‌شده است.
- دسته بندی عبارات و متون ناشی از ترجمه، بر مبنای مفاهیم مشترک به منظور استخراج چند قضیه قابل اعتنا.

یافته های تحقیق

در این تحقیق به لحاظ دوزبانه بودن داده‌های اولیه، ابتدا ابیات مرتبط از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و سپس مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها استخراج و نهایتاً برای تحلیل دسته بندی گردیده است. علاوه بر این، ضمن تعبیر و تفسیر هر بند از شعر شاعرانی که از آثار آنان استفاده شده، در ذیل جدول زیر، ابتدا به عوامل

¹ - Mayring,P

و محرک‌هایی که سبب سرودن این قبیل اشعار می‌شده، اشاره گردیده و سپس مهم‌ترین گزاره‌ها به ویژه در بخش نتیجه‌گیری تفسیر شده است.

۱- جدول تحلیل داده‌های اولیه و استخراج مقوله‌ها و گزاره‌ها

کد اشعار	اشعار به زبان اصلی (ترکی)	ترجمه (داده‌های خام)	مفاهیم	مقولات	گزاره‌ها
۱	گوزل رسمینگ تاراج اولدو اوپان، آغیر ائلیم اوپان شتر ایگیدلرینگ آج اولدو اوپان، سینمز بنلیم اوپان (میرزایی ۱۳۸۸، ۱۲)	ای مردم محروم ایل با شکوه من! بیدار شوید که رسم و آیین با شکوه‌تان به تاراج رفت. ای ایل من! جوانان شیر صفت همه گرسنه مانده‌اند. بیدار شو ای کمر راست قامت و ناشکسته من، بیدار شو!	حسرت و تأسف تشویق به قیام،	آرزوی بازگشت به شکوه گذشته احساس خودباختگی فقر فرهنگی ضرورت قیام	اذعان به وجود نابرابری و اضمحلال فرهنگی و توصیه برای رجعت به هویت گذشته.
۴	اوبا کوچوب خالی قالب بوردوموز چکیب یشیب، قوزوموزدان قوردوموز اوبا گندیب بیز قالمیشاگ قاشلارا چنگک سالمیشاگ، دونیا ایچون داشلارا (اژدری ۱۳۸۹، ۶۴)	ایل کوچ کرد و بوردهایمان (اتراق‌گاه‌ها) خالی ماندند. بره‌هایمان را گرگ‌های وحشی دریدند. ایل رفت و ما پای و نای رفتن نداریم و برای نجات خود با صخره‌های تیز، دست و پنجه نرم می‌کنیم.	حسرت‌مندی یاد شکوه گذشته	خودباختگی اعتقاد به وجود ستم جاماندگی	به هم ریختن ساختار زندگی ایلی و تلاش برای نجات از شرایط دشوار امروز.
۶	گرگوریرنگ بو ستملر بنلیمیزی ایخمیش‌دیر اوندان دورکی هرده‌ده تیلکی به‌به‌چیخمیش‌دیر (هاشمی ۱۳۹۶، کانال مجازی)	گر می‌بینی که این ستم‌ها و تبعیض‌ها کمرمان را شکسته، به این دلیل است که دره‌ها از شیران بیشه تهی گشته و روپاه‌های مکار همه کاره شده‌اند.	اذعان به وجود ستم، عدم شایسته‌سالاری،	اقرار به علل ستم، از دست رفتن جایگاه شایستگان و نخبگان	عدم شایسته‌سالاری و به کارگیری نخبگان در امور جاری.
۷	بیری قارون کیمین بیغیدیر گنجی بیری گوز آچیندان چکیبدر رنجی بیری موفا آلماز دور سپنجی	یکی چون قارون گنج بسیار اندوخته، اما دیگری از زمانی که دیده به جهان گشوده، جز رنج و مرارت چیزی ندیده است. یکی دور	تضاد و اختلاف طبقاتی، نابرابری در توزیع فرصت‌ها	فقر و فلاکت، رنج و مرارت، رابطه قدرت و ثروت، مال اندوزی، رفاه طبقاتی	اقرار به وجود اختلاف و شکاف طبقاتی در جامعه.

			سپنج را به هیچی می‌انگارد، و دیگری چون ازدهایی مخوف و شاهمار بر روی گنج خفته است تا از آن مراقبت کند.	بیری گنج اوستونده شهمار اولوبدور (دانشور ۱۳۷۱، ۲۲)	
خوش بینی و امید به تغییر و تحولات در آینده نزدیک	احساس دلتنگی رهنمود به دیگران ایجاد امید باور به الطاف خالق	امید به آزادی امید به گشایش رحمانیت خدا	در قفس سر انجام باز خواهد شد و مرغ زندانی رها خواهد گشت، گریه مکن. این روزگار تیره و تار هم سپری خواهد گشت، گریه مکن! خدایی که دری را به حکمت بسته، خودش دوباره از ره رحمت باز خواهد کرد، گریه مکن	آچار، اوچر آغلاما گلر گچر، آغلاما دری باغلايان تاري اؤزو آچار آغلاما (مردانی ۱۳۷۸، ۸)	۱۲
تفاوت نگرش متمولین به تهیدستان در جریان زندگی	رهنمود و اندرز نوع نگرش متمولین به تهیدستان	توصیه حکیمانه عدم درک متقابل	این بند را از من بشنو و آویزه گوش کن که هرگز سواره از حال پیاده خیر نداشته و ندارد.	بو سؤزو مندن قولاغآ توخو آتلی، پیادادان خبر یوخو (بالیده ۱۳۹۰، ۱۴)	۱۴
اذعان به وجود نابرابری و پذیرش آن به عنوان یک واقعیت.	مشاهده درد و رنج، پریشانی عده‌ای و آرامش و شادی جمعی دیگر، پذیرش مشقت‌ها	نابرابری ازلی پنداشتن سختی‌ها	یکی درد فراوان دارد، یکی اندک. یکی دل پریشان است و دیگری دلنواز. مجنون مست عشق است و لیلی مست ناز، این کوه و این مجنون از ازل وجود داشته است.	کیمی دردی چوخ دور، کیمی دردی آز کیمی دل پریشان، کیمی دلنواز مجنون مست عشق و لیلی مست ناز داغ واروموش، بو دیوانا واروموش (جعفری ۱۳۹۶، ۱۰۷، مأخوذ از دیوان مأذون)	۲۲
امیدوار بودن و مثبت اندیشی منجر به بهبود شرایط و گره گشایی می‌شود.	احساس امید به فرج و گشایش و بهبود شرایط موجود در آینده	امیدواری	روزهای سخت و مصائب به گشایش و خوبی منتهی خواهد شد و گره‌های کور باز خواهد گردید. در صف خاطره‌های تلخ و شیرین روزگار، تاریکی‌ها به روشنی خواهد گرایید.	گلیر گچر یاخچی لیغا چتینلر گلیر گچر آچیلمایان دوگونلر آچی- شیرین خاطره لر صفینده گلیر گچر آغشام اولور بو گونلر	۲۶

۱۰۰.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

				(جهانگیری ۱۳۹۶، ۸۲)	
۲۹	آلما آندیم نارلیغا گۆنمه بو وارلیغا وارلیق، گۆزه‌للیگ گنذر الینگ دوشر دارلیغا (مردانی) ۱۳۷۹، ۱۸	در باغ اناری سببی نشاندم که شاید روزی ثمردهد به این دارایی و مکتد دلخوش مباش. هم ثروت و هم زیبایی پایدار نخواهد بود و تو هم مانند من به تنگدستی دچار خواهی شد.	ناپایداری داشته‌ها یکسان پنداری فرجام زندگی	رنج بی حاصل کشیدن، اعتقاد به ناپایداری مال و مکتد، تصور سرنوشت مشترک برای همه انسان‌ها.	فقیر و غنی و زشت و زیبا دارای فرجام مشابه هستند.
۳۰	عجب روزگاری است این روزگار بر آورده بعضی ز سایر دمار یکی خون خلق می‌مکد جای آب یکی بی‌گناه است بالای دار یکی غرق مکتد ز راه حرام یکی بی‌نوا و یکی بی قرار یکی کاخ‌ها دارد اندر فرنگ یکی مسکنش گشته شب‌ها مزار (شیبانی فارسیدمان ۱۳۹۷، ۱۵۴)	عجب روزگاری است این روزگار بر آورده بعضی ز سایر دمار یکی خون خلق می‌مکد جای آب یکی بی‌گناه است بالای دار یکی غرق مکتد ز راه حرام یکی بی‌نوا و یکی بی قرار یکی کاخ‌ها دارد اندر فرنگ یکی مسکنش گشته شب‌ها مزار.	گله مندى احساس تبعيض شکاف طبقاتی	گله از جور زمانه گناهکاری و بی‌گناهی ستمگری فقدان عدالت اشرافیت فقر و زاغه نشینی	ابراز نارضایی از وضع موجود و اعتقاد به بهره‌کشی و استثمار توسط زورمداران و کسب مال حرام و تفاوت فاحش سطح زندگی.
۳۷	قوی تا یاغام گۆز یاشیمی کور بولاغا سان دنیهرم بسکه چالشدیم چؤلونن داز یثره بوستان دنیهرم (صفری کشکولی ۱۳۹۳، ۱۴۱)	بگذار از حسرت، سیلاب سرشک از دیدگان ببارم که زین حسرت و نداشتن‌ها، چشمه‌های خشکیده را به سان رودخانه می‌بینم. بسکه بیابان‌ها را بیهوده در نوردیدم، زمین خشک و برهوت را بستان می‌بینم.	حسرت‌مندی یأس	حسرت خوردن و آرزومندی، احساس پوچی و تصور غلط	نگرش منفی افراد تهدیدست به فلسفه و سیر زندگی.

بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی.....101

<p>۴۰</p>	<p>جهانی یارادان، جهان آفرین ازلدن بویوروب بورسم و آیین فرهاد و بیستون، خسرو و شیرین بو داستان بو افسانه واریمیش (نادری دره شوری ۵۵، ۱۳۷۹)</p>	<p>آفریدگار این جهان از روز ازل این رسم را بنا نهاده که رنج بیستون را فرهاد متحمل شود و خسرو گرفتار و عاشق شیرین گردد. چنین داستان‌های غم‌انگیز و ترازادی‌گونه و افسانه‌ها همیشه بوده است و راه‌گریز از چنین هجران‌ها نیست.</p>	<p>ازلی پنداشتن مرارت‌ها پذیرش رنج و حرمان</p>	<p>انتساب رنج‌ها و مصیبت‌ها به نظام آفرینش، ازلی پنداشتن مصائب و مرارت‌ها و تسلیم شدن و پذیرش رنج و حرمان.</p>	<p>سختی‌ها و مرارت‌ها ناشی از نظام آفرینش است و باید با شرایط کنار آمد.</p>
<p>۴۹</p>	<p>دئ عطایی شان و شوکت جاه هانی؟ هانی پس سن گردیگینگ دلخواه هانی؟ سن گورن بزم و شکار، دستگاه هانی؟ هانی ساقی؟ هانی مجلس؟ نای نی؟ (عطایی کشکولی ۲۱۶، ۱۳۹۶)</p>	<p>ستمگر دوام و عمر طولانی نخواهد داشت. ظالم از دنیا رخت بر خواهد بست و شورو شرماتم خواهد شد. ای دل غمین مباش که رحم و کرامت داور شامل حال تو نیز خواهد شد و عدل و داد و مساوات به وسیلهٔ دستان خیران برقرار خواهد شد.</p>	<p>رونق ستمگری امید به برقراری مساوات</p>	<p>کوتاه پنداشتن عمر ستمگران، اعتقاد به رحمت خداوندی، امید به برقراری مساوات</p>	<p>خوش بینی و امید به تغییر و تحولات در آینده</p>
<p>۵۹</p>	<p>نچین بیری بو دونیادا غم یوخی نچین بیری تار گنجی کر شم یوخی بیری واردیر یتمگیندن کم یوخی نچین بیری چورگینگ آچی دیرو؟ (امتوار ۱۳۹۶، نسخهٔ خطی)</p>	<p>چرا هیچ فرد بی‌غم در این دنیا وجود ندارد؟ چرا در شب تار، برخی افراد حتی شمعی کم فروغ برای روشنایی ندارند؟ یکی را می‌بینی که برای خوردن و آشامیدن چیزی کم ندارد، اما دیگری به نان شب محتاج است.</p>	<p>پرسشگری وجود اختلاف طبقاتی</p>	<p>عمومیت دادن به غم اندوه، اشاره به فقر مطلق، تفاوت فاحش در برخورداری نیازمندی‌های انسانی.</p>	<p>غم و اندوه مقوله‌ای فراگیر است و تفاوت میزان بهره‌مندی از رفاه عمومی بسیار زیاد.</p>
<p>۶۱</p>	<p>من کیمم؟ بیر سویوز بولاق، قوری گول من کیمم؟ بیر گونه حسرت، آی و ایل نه گویده منه بیر اولدوز قلوب دور نه بیر چراغ ینرده ایشیق سالوب</p>	<p>من کیستم؟ چشم‌های تشنه یا برکه‌ای بی آب؟ من کیستم؟ حسرت‌مند آفتاب و ماه و سال. نه در آسمان ستاره‌ای نصیب من شده و نه در زمین چراغی که شعله‌ای داشته باشد.</p>	<p>حسرت‌مندی محرومیت مطلق</p>	<p>تشبیه محرومیت به برکهٔ خشک، حسرت دیدار نور و روشنایی، احساس محرومیت مطلق</p>	<p>حسرت‌مندی ناشی از فقدان مستمسکی برای دلخوشی و بهره‌مندی از مواهب.</p>

۱۰۲.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

دور	(درداری)				
۶۳	بو گوی داه‌ا گورمنیر اولدوز مولام علی سن بیر یول آج گوی آغاجلار واری سوپوز مولام علی سن بیر یول آج منیم گنجم یوخو سحر باغیم گولو وئرمنیر کمر منیل اوستونه گزمنیر کمر مولام علی سن بیر یول آج (احمدی ۱۳۸۱، ۹۸ به نقل از جهانگیری)	این آسمان دیگر ستاره‌ای نمی‌بیند. مولا علی تو راهی بگشا. تمام درختان سبز تشنه‌اند، مولا علی تو راهی بگشا. شام من سحری ندارد. باغ من ثمری ندارد. به میل من قمر نمی‌گردد. مولا علی تو راهی بگشا.	احساس ناکامی چاره جویی توسل به نیروی ماوراءالطبیعه	نگرش منفی به نظام طبیعت، احساس به بن بست‌رسیدن و ناکامی، استمداد از امام اول به‌عنوان نیرویی مشکل‌گشا.	ناکامی در همه ابعاد زندگی و یاری طلبیدن از امدادهای غیبی و فوق بشری.
۶۴	بو دونیادا یالان- یامان چوخ گوردوم چوبانی آج، ارباب‌لاری توخ گوردوم بیری گوردوم ووروب شالا قچیدیر بیر پارایی، دارما داغین یوخ گوردوم (علیپور ۱۳۹۷، نسخه خطی)	در این جهان دروغ، ریا و ستم فراوان دیدم. چوپانان را گرسنه و اربابان را بی‌نیاز و برخوردار از همه چیز مشاهده کردم. یکی را دیدم که به مراد خویش رسیده و آن دیگری دستش از آسمان و زمین بریده.	ریاکاری و دروغ نظام ارباب و رعیتی	رنج بردن از دروغ و فریبکاری، مشاهده نظام ارباب رعیتی، تبعیضات نظام ارباب و رعیتی. ناروا.	باورمندی به وجود شکاف عمیق طبقاتی در جامعه و عدم برخورداری از امکانات عادلانه
۶۸	هنج گلمز چولردن شب ابو ایسی داه‌ا قطار گندمز لیلی دوه‌سی قان آغلار قشقای دمنزلر نسی؟ دفترده یوخ آماروموز، یولداشلار (مختاری ۱۸، ۱۳۹۶)	از دشت و صحرا هیچ عطری از گل شب ابو به مشام نمی‌رسد و اشتران لیلی قطار قطار راه نمی‌روند. مردم قوم به جای اشک، خون می‌گریند و کس نمی‌پرسد که چرا؟ دوستان و یاران من! حتی در دفتر آمار هم نامی از ما قشقای‌ها نیست.	خودباختگی بی هویتی	تصورسازی ناخوشایند از شرایط موجود، ازدست رفتن هنجارهای قومی و هویتی، نداشتن جایگاهی در نظام سیاسی.	نداشتن جایگاهی در ساختار سیاسی و اجتماعی نظام کل، سبب بحران هویتی و خود باختگی قومی می‌گردد.

103 بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

۷۲	بیری گنجه گوندوز ضرب دستینه بئل باغلابار بو دونیانینگ هستینه چکه فقیر ناتوانینگ اوستونه قدرت بولور ناتوان قالماز (مختاری) ۱۳۹۶، ۲۵)	یکی در طول شبانه روز، با اتکا به زور بازو و توان و قدرت، به مادیات چشم دوخته و در صدد افزایش توان مالی خویش است. او با این هدف که بتواند روزی، تهیدستان را زیر یوغ خود بگیرد، چنین سودایی در سر دارد. با همین طرز تفکر و نوع نگرش است که همواره توانمندان، توانا تر و ناتوان‌ها فقیرتر شده و از بین می‌روند.	آزمندی مال اندوزی استثمار اختلاف طبقاتی	آزمندی صاحبان قدرت، مال اندوزی و اقتدارگرایی، تلاش برای استثمار فقرا، افزایش مدام فاصله بین تهیدستان و ثروتمندان صاحب قدرت.	ثروتمندان صاحب قدرت، همواره در صدد استثمار و بهره‌کشی از طبقه ضعفا و فقرا هستند.
----	--	--	---	--	--

آنچه که در نگاه اول از اشعار درج شده در جدول فوق برداشت می‌شود، نوع تلقی و احساسی است که شاعران در جامعه هم عصر خود نسبت به برخی کاستی‌ها، نابرابری‌ها و تظلماتی که منجر به محرومیت می‌شده، استنباط کرده و در اشعار خود منعکس کرده‌اند. از کلیات مفاهیم چنین برمی‌آید که افراد با توجه به شرایط زمانی و مکانی و قیوداتی که وجود داشته، نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و محرومیت را در ابعاد مختلف: مادی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روابط متقابل و بهره‌مندی از امتیازات و تسهیلات و حقوق فردی حس می‌کرده‌اند. شاعران نیز این احساسات عمیق خودشان و مردم را با کلمات موزون و گیرا و اثرگذار در قالب شعر در آورده‌اند تا در اختیار نسل زمان خویش و نسل‌های بعدی قرار گیرد. این شاعران، بیشتر از ساختار زندگی ایلی و رخدادها و مستمسک‌های شهودی الهام گرفته‌اند. این امر نشان دهنده آن است که شرایط زندگی ایلیاتی و الهامات برگرفته از طبیعت و فرهنگ غنی ایل قشقایی بستر مناسب برای پرورش شاعران خوش قریحه بوده است. از جمله این عناصر و عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- طبیعت بکر و دل‌انگیز و زیبایی‌های متعدد زندگی عشایری از جمله مراتع رنگارنگ، گل‌های بهاری و پرندگان و حیوانات غیراهلی چون آهو و بز کوهی و

ب- وجود رودخانه‌ها جویبارها، چشمه‌سارها، کوهستان‌های سرسبز یا برف پوش و یا کوه‌هایی سوخته و فاقد پوشش گیاهی که شاعران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داده است. هرچند برخی از اشعار شاعران قشقایی مضامینی عاشقانه دارد، اما اغلب اشعار، در درون خود نوعی حزن و اندوه و حسرت را به خواننده منتقل می‌کند. پ- وقوع و حوادث مختلف تاریخی، مانند: عروسی‌ها، جشن‌ها، اعیاد، تولدها، منازعات قومی (نظیر جنگ حاج رستم خان گراشی و بهادرخان قشقایی که مأذون آن را در قالب مثنوی حماسی بسیار زیبا سروده است). یا وقوع سیل و توفان، زلزله (مانند زلزله سال ۱۳۵۱ شهر قیر استان فارس که شاعری به نام عطایی درباره آن قصیده‌ای سروده است)، درگیری با قدرت‌های مرکزی نظیر: جنگ سمیرم، آغ چشمه شیراز، دشت موک فیروز آباد، نبرد کامفیروز و پل خان مرو دشت و نیزک بوشهر به فرماندهی محمدقلیخان ایل بیگی بانی باغ ارم شیراز در سال ۱۲۶۲ (کیانی، ۱۳۸۰: ۱۰۰) و سرانجام، تلفات انسانی و حیوانی ناشی از بیماری‌های واگیر مانند تلفات گسترده اسب‌های نژاده و اصیل که در دههٔ چهل رخ داد.

ت- مرگ جوانان، خوانین و کلانتران، شخصیت‌های متنفذ و محترم، هنرمندان، صیادان و قهرمانان و پهلوانان.

پ- مسائل عشق و عاشقی و وجود موانع ناشی از نظام پدر سالاری که مانع وصال عاشق و معشوق می‌شده است؛ مانند: داستان یوسفعلی بیگ و سلطان، اصلی و کرم، غریب و صنم و

بحث و نتیجه‌گیری

بدیهی است که هر گزاره به دست آمده، عصارهٔ اندیشه، تخیل، خلاقیت، احساسات و تجارب شاعرانی است که دارای ذوق و قریحهٔ متفاوت بوده‌اند. با وجود این تفاوت‌ها و اختلاف نگرش‌ها، به طور کلی در لایه‌های پنهان و نهفته در متن اشعار شاعران معاصر قشقایی که نهایتاً به صورت ۳۰ گزاره استخراج شد و 19 مورد آن در جدول پیشین ارائه گردید، می‌توان از نظر تفسیر متنی گزاره‌ها، مسائل و موضوعات زیر را درک و لمس کرد:

- رنج و مرارت؛ شاعران هریک به سهم خویش در بازتاب آلام و مشقات مردم ایل ایفای نقش کرده‌اند. به عبارت دیگر، چون دلی نازک و ذوق سرشار و طبع حساس داشته‌اند، بیش از مردم عادی قادر بوده‌اند

105بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

مکنونات درونی خود را در قالب شعر بروز دهند تا هم از اندوه خویش بکاهند و هم با مردم همنوایی کنند. یکی از دلایل ماندگاری اشعار نافذ، همین همزات پنداری و همسان نگری شاعران بوده است.

• انواع محرومیت و نابرابری؛ محرومیت‌های ناشی از مسائل مادی و اقتصادی، فشارهای سیاسی، فقر فرهنگی، اجتماعی، جسمی، روحی، طبقاتی و قومیتی که به ویژه به دلیل ساختار فئودالی و ارباب و رعیتی و وجود طبقات شبه کاستی مانند گروه ساریبانان، چنگی‌ها یا نوازندگان، عاشیق‌ها (نوازندگان دوره گرد)، غربت‌ها یا آهنگران و رمه بان‌ها و چوپانان، همواره فاصله شکاف طبقاتی را حفظ و یا حتی عمیق تر می‌کرده است.

• اعتقادات و باورها؛ در اشعار شاعرانی که آثار آنان مطالعه شد، مسائل دینی، عقیدتی، باورها و ایمان به خدای واحد و امدادهای غیبی و قدرت‌های فرا بشری به صورت روشن دیده می‌شود. هر جا که شاعر از تجویز نسخه‌ای چاره ساز و یا حل چنین مسئله خود را ناتوان یافته، برای ایجاد امید به آینده و زدودن یأس و ناامیدی از آحاد مردم، به انتظار منجی و منتقم نشستن را توصیه کرده است. این قبیل سروده‌ها تا حدی التیام بخش زخم عمیق رنج دیدگان و محرومان بوده، اما از سوی دیگر، هرگونه صدای اعتراض و ندای حق طلبی را فروکش می‌کرده است. زیرا همواره طبقات پایین جامعه به انتظار نجات دهنده‌ای غایب روزشماری می‌کرده و خود عملاً از ورود به میدان مبارزه علیه ستم‌ها اجتناب می‌کرده‌اند.

• از بین رفتن شکوه و هیمنه ایل و آرزوی رجعت به گذشته؛ بسیاری از شاعران نگاهی نوستالژیک به گذشته ایل و طایفه خود داشته‌اند و با وجود از بین رفتن مراتع سرسبز و منابع طبیعی و خشک شدن سرچشمه‌ها و رودخانه‌ها، هنوز در آرزوی بازگشت به هیمنه گذشته ایل هستند. در اشعار شاعران دهه کنونی به وفور از این قبیل اشعار و به کارگیری واژه معروف «آغیر ائل» به معنی ایل باشکوه می‌توان دریافت که نوعی روی خوش نشان ندادن به مدرنیته و عصر تکنولوژی است.

• تسلیم شدن در برابر محرومیت به عنوان یک واقعیت؛ شماری اندک از شاعران در سروده‌های خود، گویی برای آرامش روحی و اقناع موقت مردم اقدام به سرودن چنین شعرها نموده و اقشار آسیب دیده و محرومیت چشیده را به تسلیم شدن در برابر مصائب و ستم‌ها تشویق کرده‌اند. به عبارت دیگر، آنان را به قبول شرایط موجود و مرارت‌ها قانع کرده و روزهای بهتر و سال‌های خجسته‌تر را نوید می‌داده‌اند.

- توصیه به ایستادگی و مبارزه با منشاء محرومیت؛ در رویکرد این دسته از شاعران رادیکال که اغلب آنان را نسل جوان تشکیل می‌دهند، ایستادگی و مبارزه علیه تمام سرچشمه‌های محرومیت چه در نظام حکومتی، چه در مراجع محلی مانند دستگاه‌های مولد نارضایتی، شوراهای محلی، نهادهای انحصارگرا و افراد ذی‌نفوذ توصیه شده است. در آثار برخی از این قبیل شاعران حتی خیزش و قیام علیه ظالمان و سلطه جویان و صاحبان زر و زور توصیه شده است.
 - از نگاه برخی دیگر از شاعران، حتی توتم‌ها در هر قوم و نژادی بسیار حائز اهمیت و امور به هنجار و ارزشی به شمار می‌آید. مردم قشقایی از دهه بیست و به ویژه چهل به بعد، به سرعت با اضمحلال فرهنگی و بحران هویت رو به رو شده‌اند که برخی شاعران در سروده‌های خود برای بازیابی هویت از دست رفته به ویژه بر مقوله زبان و لباس محلی و سنتی پای فشرده‌اند.
 - تصور نابرابری در نظام خلقت؛ برخی از شاعران با نگرش منفی و ظالمانه و غیر عادلانه به نظام خلقت، بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، حتی فقر و گرفتاری و انواع محرومیت‌ها را ناشی از مشیت الهی و نظام خلقت دانسته و آن را طبیعی تلقی کرده‌اند.
- از منظر تفسیر ساختاری نیز، بررسی مضامین اشعار شاعران قشقایی نشان می‌دهد که موارد زیر عمده ترین عوامل و محرک در خلق این قبیل آثار بوده است که در واقع حرف دل مردم هم عصر آنان به شمار می‌آید: ساختار سیاسی، ملوک الطوایفی و سازمان ایلی - فشار نهادهای حکومتی - نابرابری‌های اجتماعی و مسائل اقتصادی - مسائل آموزشی فرهنگی - مسائل قومیتی و رقابتی - خشکسالی، قهر طبیعت و تلفات دامی و انسانی و نبود فرصت‌های شغلی. هرچند همه موارد و فضاهایی که سبب ظهور و بروز نابرابری و محرومیت در جامعه عشایری و بازتاب رفتارهای محرومیت‌زا توسط شاعران و روشن‌فکران می‌شد، در این مجال و مقال میسر نیست، اما به شماری از مهم‌ترین آن‌ها که به لحاظ ساختار اجتماعی - سیاسی جامعه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشتند، اشاره شد. در یک جمع بندی کلی به نظر می‌رسد بتوان برجسته‌ترین و مهم‌ترین مواردی را که مد نظر شاعران بوده و آنان در شرایط خاص زمانی و مکانی و روابط حاکم بر جامعه بیان کرده‌اند، به شرح زیر دسته بندی کرد:

107 بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

- به دلیل حکومت ملوک الطوائفی و طبقه بندی اجتماعی و ساختار خاص زندگی ایلی، انواع تبعیض، نارضایتی، احساس حقارت، عدم برخورداری عادلانه از مواهب طبیعی و امکانات موجود، در اشکال مختلف وجود داشته است.
- به نظر می‌رسد در جامعه کوجنده قشقایی، در گذشته، به ویژه از عهد قاجار تا دهه چهل که از محتوای اشعار شاعران قابل درک است، علی‌رغم کاستی‌ها، اجحافات، فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بهره‌کشی‌ها و فقدان جایگاه سیاسی، اغلب مردم ستم‌دیده همواره به آینده خوشبین بوده‌اند.
- احساس خودباختگی و مسخ هویت قومی و زایل شدن زبان مادری در سراسر اشعار شاعران هویداست. بیکاری و موانع ازدواج و نداشتن سرپناه و عدم مساوات و اعتدال در دستیابی به مناصب کلیدی کشور بر مبنای شایسته‌سالاری، نداشتن استان و شهرستانی خاص به نام قشقایی، به چنین تفکرات دامن زاده است.
- افراد کم‌تر تحصیل کرده و کسانی که اشراف کافی به نظام حکومتی و فرمول‌های اقتصادی ندارند، فقر و محرومیت و ناکامی‌ها را به جبر زمان و کارکرد ازلی کائنات منتسب نموده و براین باورند که در هر شرایطی باید با نابرابری و کاستی‌ها به هر شکل ممکن کنار آمد و آن را واقعیتی اجتناب‌ناپذیر تلقی کرد.
- در یک جمع بندی کلی که عصاره این تحقیق است، می‌توان چنین استنباط کرد که، بیشتر شاعران معاصر قشقایی (۶۵/۵٪)، به سبب برخورداری از روح حساس، طبع لطیف و درک عمیق از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نابرابری‌ها و محرومیت‌ها را درک کرده و آن را در قالب واژگان و عبارات ادبی و تأثیرگذار به مخاطبان خود منعکس کرده‌اند. با عنایت به یافته‌های تحقیق، موارد زیر برای کاهش نسبی سطح محرومیت و نابرابری در قوم قشقایی پیشنهاد می‌شود:
 - به دولت جهت اجرای کامل اصول ۱۵، ۱۹، ۳۰، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی به ویژه اصل ۱۵ که می‌تواند موجب انسجام ملی گردد و تعلق خاطر و حسن نظر مردم را نسبت به نظام افزایش دهد.
 - به وزارت آموزش و پرورش جهت توسعه شبانه روزی‌های عشایری و احیای مجدد مرکز تربیت معلم ویژه عشایر که با وقوع انقلاب اسلامی با داشتن ۱۴۰۰ دانشجو معلم زبده برای همیشه تعطیل شد.

- به صدا و سیما با هدف اختصاص دست کم ۴ ساعت برنامه در هفته به زبان محلی قشقایی در استان‌های قشقایی نشین.
- به سازمان امور عشایر کشور برای بازگرداندن و احیای ایلرها و مراتع عشایر به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ که به خاطر احداث باغ شهرها و تملک مراتع و گذرگاه‌های ایلی، امروزه عشایر قشقایی را با معضل درمان ناپذیر و زیان‌بار مواجه کرده است.
- به وزارت کشور، شورای شهر و شهرداری‌ها؛ نامگذاری شهرستان‌هایی به نام قشقایی و بخشی از یک استان ترکیبی به نام قشقایی، چنان‌که با نام خراسان سه استان، در غرب کشور، با هویت جامعه‌کرد سه استان، برای جوامع لرزبان استان‌هایی با نام لرستان و بختیاری و بویراحمد از دهه‌های پیش، پیش‌بینی و عملی شده که هیچ منافاتی با انسجام ملی ندارد. علاوه بر این، نامگذاری تعدادی از میادین و بلوارها در شهرهای ذی‌ربط به نام مفاخر قشقایی توسط شورای شهر و شهرداری‌ها.

منابع

- اسکارپیت، روبر. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- ارشاد، فرهنگ. (۱۳۹۱). *کند و کاوی در جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: نشر آگه.
- ازدری، فرود. (۱۳۸۹). *گلمیشدیم گورمگه*، چاپ اول، شیراز: انتشارات قشقایی.
- ایمان، محمدتقی و محمود رضا نوشادی. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوی کیفی*، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز وزمستان ۱۳۹۰: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی. (۱۳۹۰). *روش‌های کاربردی تحقیق*، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- احمدی، محسن. (۱۳۸۱). *سایه‌ای از آفتاب (۲)*، *یادمان میرزامآذون قشقایی*، چاپ نخست، تهران: دبیرخانه دومین کنگره بین‌المللی حکیم آیت‌الله جهانگیرخان قشقایی.
- استوار، خداداد. (۱۳۹۶). *استخراج از دیوان در شرف چاپ شاعر*، شهرضا.
- بالیده، داود و فرحناز ترک قشقایی. (۱۳۹۰). *ضرب‌المثل‌های ایل قشقایی*، چاپ اول، شیراز: ره آورد هنر.
- پیت، ریچارد و آئین هارت ویک. (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه دکتر مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان‌پور، تهران: انتشارات لویه.
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: انتشارات سمت.

109 بررسی مقوله نابرابری و محرومیت در شعر شاعران معاصر قشقایی

جنکس، کریس. (۱۳۹۴). *خرده فرهنگ تکه تکه شدن اجتماع*. ترجمه هاشم آقاییگ پوری و جلیل سبحانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

جعفری، ابوالفضل. (۱۳۹۶). *دیوان کامل میرزا مآذون قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.

جهانگیری، فرود. (۱۳۹۶). *یاشیل آلمان*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات یاشیل آلمان.

دانشور، نوذر. (۱۳۷۱). *نغمه‌های ایل قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات نوید.

درداری، نوروز. (۱۳۹۰). *تاریخ گمشده قشقایی*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.

راغفر، حسین. (۱۳۸۶). *تله‌های محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی*، فصلنامه اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره دوازدهم.

ربانی، رسول و ابراهیم انصاری. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*. چاپ دوم. اصفهان: دانشگاه اصفهان

سखाوتی فر، نورمحمد. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها در استان گلستان*، پایان نامه کارشناسی

ارشد: دانشگاه مازندران

سارتر، ژان پل. (۱۳۹۶). *ادبیات چیست؟* چاپ نهم، مترجمان ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات نیلوفر

سفیری، خدیجه و محسن رجایی پناه. (۱۳۹۴). *چالش‌های اشتغال زنان مهاجر عشایر در محیط‌های خانوادگی و اجتماعات شهری*

(مطالعه موردی زنان مهاجر قشقایی ساکن در شهرک‌های اقماری شیراز)، نخستین همایش روانشناسی خانواده: دانشگاه

آزاد اسلامی اهواز.

شیبانی، یوسف. (۱۳۹۷). *برداشت از آثار خطی در شرف چاپ شاعر: کازرون - سرمشهد*

صفری کشکولی، عوض الله. (۱۳۹۳). *یتیم بال*، چاپ اول، شیراز: انتشارات همارا.

ظهیرالدوله، علی‌خان (۱۳۶۷). *برگرفته از سایت آیات به نشی‌نا: http://ayat.ir/HIIOM تاریخ مراجعه به*

سایت مرداد ۱۳۹۷

عطایی، عزیزاله. (۱۳۹۶). *عطایی دیوانی*، چاپ نخست، به کوشش شارخ عطایی و مقابله محسن رجایی پناه، شیراز: انتشارات

ققشایی.

قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۸

کیانی، منوچهر. (۱۳۸۰). *تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی*، شیراز: انتشارات کیان نشر.

کیانی، منوچهر. (۱۳۸۸). *سیه‌چادرها، تحقیقی از زندگی مردم ایل قشقایی*، چاپ چهارم، شیراز: کیان نشر.

گر، تدرابرت. (۱۳۸۸). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، مترجم علی مرشدی زاد، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده

مطالعات راهبردی.

مردانی، اسدالله. (۱۳۸۶). *فرهنگ لغات و اصطلاحات ترکی قشقایی (قاشقایی سؤزلوگو)*، چاپ نخست، قم: انتشارات انصاری.

مردانی، اسدالله. (۱۳۷۸). *آتالار سؤزو (ضرب المثل‌ها)*، چاپ نخست، انتشارات، شیراز: کیان نشر.

میرزایی، ارسلان. (۱۳۸۸). *اوزاق یول*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.

- مختاری چگینی، علیرضا. (۱۳۹۶). *شهباز کوهساران*، چاپ نخست، شیراز: انتشارات قشقایی.
- نادری دره‌شوری، محمد. (۱۳۷۹). *سیری در بوستان قشقایی* (۱)، چاپ اول، شیراز: انتشارات راهگشا.
- (۱۳۹۷). *اقتصاد به زبان ساده*، شماره ۳۷، فقر، تهران: معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی
- Grabb.G.Edward (1986). *Social Inequality classical and Contemporary Theorists*, Toronto:Holt, Rinehard & Winston.
- Heather .J.Smith & other (2002), *Relative Deprivation Spacification, Development*, Press Cambridge university.
- Heather .J.Smith,Thomas F, Pettigrew,(2015)" *A Meta-Analytic Critique of Relative Deprivation*" Sonoma State University of California,Santa Cruz. Department of Psychology, Sonoma State University,1801 East Cotati Ave., Rohnert Park, CA 94928, Email: smithh@sonoma.edu
- Jivraj, Stephen and Omar Khan (2013). *Ethnicity and deprivation in England: How likely are ethnic minorities to live in deprived neighbourhoods*, The University of Manchester Oxford Road, Manchester M13 9PL ,UK email: censusbriefings@ethnicity.ac.uk www.ethnicity.ac.uk
- Saleh ,Alam (2013). *Relative Deprivation Theory, Nationalism, Ethnicity and Identity Conflicts*, Geopolitics Quarterly, Volume: 8, No 4, Winter 2013 PP 156-174 Bradford, UK.

پاورقی‌ها:

- ۱- به نقل از آمار سپاه پاسداران عشایر فارس در همایش‌های استانی.
- ۲- سایت انتخاب ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ به نشانی: Entekhab.ir Professional News site
- ۳- <http://ayat.ir/HIOM>
- ۴- برگرفته از سایت آیات به نشانی: <http://ayat.ir/HIOM> به نقل از کتاب سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطیت نوشته فاروق خرابی
- ۵- تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد (ایمان، محمدتقی ۱۳۹۰)
- ۶- از یادداشت‌های کلاسی استاد از کیا، ترم چهارم مقطع دکترا، درس روش‌های تحقیق پیشرفته، سال تحصیلی ۱۳۹۵ - ۱۳۹۴